نظام ایلیاتی والگوی حکمران در ایران

سیدعلی الله سنایی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهرکرد

چکیده

موضوع جغرافیایی و طبیعی، و مناطق مختلف در ایران ساختار نظام قومی و ایلیاتی، زمینه‌هایی را می‌نمودند که ایلات و قبایل در بخش عمده‌ای از تاریخ ایران بر نظام سیاسی و حکومتی کشور نقل بساند. هجوم قبایل و مهاجرت‌های علمی و سیاسی ایلات و قبایل و تهدیداتی که از جانب ایلات منتهی به اجتماع کناری‌نشینی شهری و روستایی بوده، ضرورت‌های ناگفته در این کشور سیاست و حکومتی ایران را به کنارمی‌دهند و این مقاله به بررسی ساختار جامعه ایلیاتی و تاثیرگذاری آن بر ارزش‌های سیاست و حکومتی در ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ساختار نظام ایلیاتی، ایران، نظام سیاسی، کوه‌نشینی

مقدمه

نظام حکومتی در ایران بر بنیادهای ایلی و عشیره‌ای استوار بوده و نیروی قبایلی بنا به خوی و قوه خود در هر یک از نواحی از زیستن در دل طبیعت سخت بوده، خشن و سخت‌زوج و روابط آن بین مشترکهای سازمانی کاملاً خود کامه‌بود.
روند‌هایی که در طی این‌وهای متمادی تسلسل این ساختارها به صورت اجرا، لاینفک و روشن‌های اعمال قدرت در نظام سیاسی و دیوانسالاری این مملکت منابع‌گزار شدند، سلطه هر قبیله بر جامعه پس از گذشت دوره شکوه آن، با پورش ایل معمولی ذکر یا پروردن از فلات ایران پرچیده می‌شد و قبایلی که این کوش‌های بر جامعه مسلط می‌شدند، به تدریج به بهره‌کشی نا محدود از دهافل روز و شهرنشینی می‌پرداختند، و اشراقیت عشیره‌ای خود را در سرزمین تسخیر شده حاکم می‌کردند. برای شناخت تأثیر نظام ایلیتی در افزایش نظام حکومتی در ایران ابتدا به بررسی ساختار اجتماعی نظام ایلی و کوش‌نشینی ایران می‌پردازیم.

جامعه ایلیتی ایران
قلمره‌های وسیع کوهستانی، مرتعی و صحرایی برده از هم، بازندگی اندک، تفاوت دلخواه و نوسانات زیاد بارش در نواحی مختلف، از جمله زمین‌های طبیعی پیدایش نظام اجتماعی و اقتصادی ایلی و کوچ در ایران هستند (وذیعی، 1972). و در این میان کم‌آب و نوسانات بارش به عنوان منبع کشتی گسترش کشاورزی و شرایط اقتصادی سرزمین به عنوان تحمیل کندن‌های صورت می‌گرفت. چادرنشینی و اتاق‌خیار بر شکل‌بخش دسته‌ساختار و هرم قدرت در این جامعه هستند (Nugent and Sanchez، 1999، 264-265) یا برای پیش‌رفت و پیش‌روی راه حل فوری در این جامعه است که از امکان استفاده از راه‌حل‌های فنی جدید برای مقابله با عوامل نامساعد طبیعت‌پری ایست و پاسخ نمایندگانی و بی‌تعادلی شرایط طبیعی را با نوعی تحرک کارآمد در شکل‌بخش زندگی اجتماعی خوب‌شی می‌جوید. کوش نخست‌ین این راه‌حل‌های است (برهم، 2002، 272-275)
از نظر ساختاری، ایل مجموعه‌ای سازمان یافته است که بر پایه‌های محکم خوئینی و نسبی استوار است. (99،1995) هم‌مانندی درونی آن را تضمین می‌کند و فرد و خانواده هسته‌ای با واسطه این سازمان به مجموعه پژوه ایل مرتبط می‌شود و خانواده‌ها در این حوالی خویشاوندی نسبی (ردههای پایین) و خویشاوندی تصوری و آرمانی (رده‌های بالا) در واحدهای اداری - سیاسی مختلف سازمان می‌باشد. (کسراونان و عرشي، 1975، 1976) نیز به مدت این سازمان شبهنظامی بوده و این قادیر بود وظایف گوناگون خود نظیر جنگ با ایلات و قبایل رقیب و جدال دائم با طبعیت وحشی، حفظ امنیت جامعه اپیلیاتی، تقصیم مراتع و داروی در میان خانواده‌ها، دامداری و گذشتن امراض و طولانی در کوه‌های بهاره و پائین‌های ایل راه‌های صعب و دشوار، را از دیدن ده‌های بسیار دور علی‌رغم نماید (امان‌اللهی، 1370، 1375) و با اساس این سازمان تداوم یکسانگی ایل را تضمین کند. (فیروزان، 1362، 1367) تنوع قومی شکل‌گیره در این سرزمین به صورت تفاوت‌های زبانی، گویشی، فرهنگی و مذهبی و گاه از ترکیب دو یا چند عامل می‌باشد، مذکور نمود می‌یافت. همچنین در دوره‌های از تاریخ اشکالی از کوه‌نشینی در واکنش به فشارهای سیاسی مذهبی یا تعرضات حاکمان بی‌پدید آمد. (آیروز، 1362، 1367، 1370) این وضعیت از گذرشتهای بسیار دور در ایران وجود داشته است. (شهبازی، 1369، 84)
ویژگی‌های ساختار جامعه ایلیاتی ایران

۱. نظام سلسیه مراتبی

شکل‌بندی ساختارهای اجتماعی ایلات تفاوت‌های عمیق و ندای‌های بین‌المللی و رده‌بندی‌های ایلات ایران بسیاری از این نژاده است. اجزاء‌این ساختارهای در بالاترین مرتبه خود، (بزرگ‌های) به عنوان جویای همه‌ای دارای ایلات ایلاتی‌های خود‌یا مثبت به یک رشته مشترک می‌دانند ممکن است کلیاً متميز باشد ویک به ترتیب که این رده‌بندی‌ها مشتمل بر سپت‌های بین اجزاء خود ارتوکه، عینی و امتی تر می‌شود.

اعضا جامعه ابی‌لاز بالاترین بخش این ساختار تا پایین‌ترین قسمت‌ها در زیر شاخص‌های معین تقسیم‌بندی‌های (Hvoslef نمونه‌های از این ساختار اجتماعی در مورد برخی از ایلات ایران به شکل زیر است: اعضای ایل جامعه خود را به گروه‌های بدی، نسب تقسیم می‌کنند که کوچک‌ترین واحد آن فرزندان یک (Buhon) بدر (گروه بردان) هستند که تلت برخی ایلات اصلی‌اکنون به یک سیا‌جی هفته می‌تواند. سیا‌جی و کوچک‌ترین و ادامه‌ایل است.

بعد از سیا‌جی، تئوری تجربه‌ای از مربع تشکیل می‌شود که معمولاً اعضای آن به همراه هم دامنه‌های خود را به چرا می‌برند. مال نهایت‌های تجربی و عینی ایل است که یاگاسی تاتی تانز و ممکن است به نمای آب و هعلی چند هفته‌های در محلی آن‌ها نامیده‌گروه‌سوم (کروبا) (Korobu) یا نامی‌است. هر واحدی از ده‌ها خواراز تشکیل می‌شود. گروه چهارم (تش) (Tash) است. که واحده‌هایی در دربارانده‌های اولان است. پس از (تش)، "تره" و سیس "طایفه" قرار دارد، که از ترکب‌چند "تره" تشکیل می‌شود. طایفه‌ها وابسته به گروه اجتماعی بیش از این است. (دیگار، ۱۳۶۳، صفحه ۱۱۷-۱۱۸)
توجه‌یاد: در تمام ایلات با اندک تفاوت‌هایی در عنوان و یادمان خانوارهایی که هر واحد تحت بوشن قرار می‌دهد، چنان رهبری‌هایی وجود دارد. (غفاری، 1368 و طبیبی، 1380)

توزیع قدرت سیاسی و اداری مناسب با تقسیم درونی ایل صورت می‌گرفت. در عالی‌ترین نقطه هرم قدرت در میان ایلات خان‌ها ایلانان قرار داشت و سرپرستی کل نظام سیاسی، اجتماعی ایل در اختیار یوز بود. در مراتب پایین‌تر کلانتران، دوران وظایف تأمین و سازماندهی نیروی جنگی، جمع‌آوری مالیات و داوری میان اعضای این طایفه و دیگر موارد را عهده‌دار بودند. در مصوبه بعد کدخدایان دوران که همین وظایف را درخواست تبرئه‌ای وابسته به خود در این نظام سلسله‌مراتبی ایفا می‌کردند. (افشارپزانتی، 1372۰، آمانت، الیه، 137۶) در واقع، جهان‌بینی خویشاندبانی زندگی دائمی و مدیریت مستقیم بر رهبری خان‌ها و سرکردگان ایلی، سه مؤلفه اساسی در شناسایی نظام ایلی است.

(تاپر، 137۷۰۱۶۰) و به اعتقاد ابن خلدون، راست در قبیل تنها از راه قدرت و علیه میسر می‌شود و عمیقاً از ارتباط با عصبیت ممکن بوده. (ابن خلدون، 136۹)

ایلات و اقوام بر اساس تیره‌ها و طوایف خود دارای انسجام درونی بودند. آنان نسبت به حفظ تعلقات خود اعیان از تیام، نیاگان، سرزمین، استخوانها و آنچه به ایشن مناسب بود تعصب می‌ورزیدند. (ابن خلدون، 13۴۲) ابن عصبیت مؤثرترین عامل انسجام و استحکام درونی جامعه ایلی و قومی بود. باور علیه به نظام ایلی خود، احساس تعلق (تعصب) به آن، در کنار وجود ساختار رده بندی تیره و طوایف و سرزمین مشترک برای ارائه تعريف از جامعه ایلی ایران مهمترین معیارها است. (افشار نادری، 13۶۴۲۳۱۶۰۱)
رده‌بندی ساختار‌های ایل تأمین کننده هماهنگی نظام ایلیاتی بود. در این
میان اگر چه پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی در سطح ایل نسبت به طوابع
و نیروهای ضعیف بود ولی اعضای از وابستگی به ایل آگاهی داشته از این دلایل
رابطه عاطفی بودند و به آن تخصص می‌وزندند. در مراتب باپین دستی ایل نظر
اولادها، نیروها و حتی در مرتبه طوابع، یکی‌پارچگی گروهی و انسجام و همبستگی
اجتماعی بسیار برجسته بود. هر فرد ایلیاتی با افراد هم تیره خود روابط تنش‌گذار
و گسترش‌دار از زمان کوچ، در بهره‌برداری از مراتع و آب، و در مبادلات فرهنگی و
اجتماعی و اقتصادی داشت. در واقع تیره و طایفه برای او در حکم یک‌دسته و حتی
بیشتر از آن برای روانی بود. او در تیره ادغام می‌شد و بیرون از این نظام
اجتماعی نمی‌توانست یوپی‌پیدا کند و قادر به تغییر این نظام یوپی‌پیدای تیره و
طایفه خود نبود. (صفی‌نیاژاد، ۱۳۹۸، صفحه ۷۴) 

ساخت اجتماعی ایل نیز خود کلیکی را تشکیل می‌داد که مرزهای آن نه
سرزمینی بلکه فرهنگی بود. (نادری، ۱۳۷۷، صفحه ۱۵۱) و فرد در آن بیش از آن که وابسته
به سرمایه‌یا کشور و ملت معینی باشد، وابسته به ایل بود. بنابراین ویژگی یک
گروه ایلی و قومی بیش از آنکه مادی- زیستی باشد، اجتماعی- فرهنگی بود.

۲- خودگردانی
جامعه ایلیاتی ایران مدت‌های زیادی عملکرد امروز خودگردان بود و نهاد
رهبری ایل باسخوی نیازهای مختلف سیاسی درونی آن و تنظیم‌کننده روابط آن
با جهان خارج بود و توزیع قدرت سیاسی و اداری در این ساختار با تقسیمات
درویی آن تناسب داشت. ایلخان یا خان سپس کلانتران و کمدبانوان طولای
مختلفی را که در جوامع یکجانشین بر عهده دستگاه‌های قدرت رسمی است.
عملی می‌نمودند. امر قضاوت و داوری، جمع‌آوری مالیات، تنظیم روابط اجرا ایل و جهان خارج، سازمان‌دهی و تجهیز نیروی مسلح رهبران ایل انجام می‌شود (لمبتو، ۱۳۶۰، ۹). 

میزان سی‌کوپر، سیاح آمریکایی که مدتها را در میان بختیاری‌ها گذرانده در مشاهدات خود به صورت احکام قضایی، جمعیت مالیات، توسط ایل‌خان بختیاری و همچنین وجود تعداد زیادی سوار تفنگدار در رکاب وی اشاره می‌کند. وی به علاوه از خودگردانی ایلات به واسطه بهره‌مندی از حصارهای طبیعی کوه و صحرا، و کاشی‌نشانی‌های دمای آنها، دانسته‌ها و مراکزی ساخته می‌گوید. (کوپر، ۱۹۰۹-۱) 

این استقلال خواهی حتی در دو قرن گذشته گونه‌ای بوده که بختیاری‌ها در این دوره عموماً به حکومت‌های مرکزی در درگیری بسیارند. (کریسی، ۱۳۵۲، ۹۷) این تفاوت برای استقلال در دوره‌های دورتر تاریخی در دوباره ایلات از شدت بیشتری برخوردار بوده. در حالی که دولت‌های اسلامی بر اساس کنترل ایلات‌ها مشاهده کرده‌اند، تمایلات گروهی از تمرکزگرایی دولتی در میان آنان شدید بود. (میر، ۱۳۵۲-۱، ۲۵۱-۱۹۸۸) 

۳- روابط پرتنش درونی و برون‌ایلی 

جدال دائم میان اجرا داخی (امان، ۱۳۶۹، ۷۶) و جوامع ایلی با دیگر ایلاتی جامعه‌ای که از خصوصی‌های تاریخ ایران است، بر اساس آنچه زیگرسه ایلات گفتند، همبستگی اجتماعی و انسجام درونی در جامعه ایلی‌ایلی به خصوص در واحدهای کوچک‌تر، بسیار زیاد است، و این انسجام از طریق پیوندهای و شبکه نیروی و خوش‌آمد تقویت می‌شود. جدابودن از تیره‌ها و طوایف ایل‌های دیگر، خودگردایی اقتصادی و خودگردانی سیاسی، وجود نظام ساختاری سلسله مراتبی مشخص و سخت و احساس منفعت و حتی درپی‌دیوند بی‌دیگر، فرد را به گروه
خود هر چه بیشتر نزدیک می‌ساخت و این حس در وی بیدار می‌آورد که بورن از
گروه اجتماعی خود نمی‌تواند زندگی کند. این «حساسیت» در هر یک از
گروه‌های قومی و ایلی از انجنان امپراتوری برخوردار است که «بانزین»
(بازن.1377-35) به‌عنوان همبستگی اجتماعی درون گروه‌های بیشتر و
حس تمایز برون گروه و نیز افزایش می‌یافته. سپس، این همبستگی درونی نوی
گست بیروی ایجاد می‌کند. (بارز و بکر.1358) این عوامل وقتی با
شیوه تولید و تقسیم کار اجتماعی در ایلات که بخش قابل توجه وظایف معيشتی
در آن به زنان و کودکان افزایش می‌شود و مردان اغلب از فراگفت بال و فرصت کافی
برای پرداختن به امور نظامی برخوردار بودند، ترکیب می‌شود و قدرت جنگنده
مردان ایلیانتی که درنیاگر ممارسه و مبارزه مستمر با طبیعت وحشی بسته می‌آمد
و با عدم واکنش و تعلق به سرزمین خاص، پیوند می‌خورد. قابلیتهای ویژه در
ستیزها و رقابت قدرت در اختیار ایلات قرار می‌داد. (لیثور.1362) این
وضعیت فضایی ذهنی و زمینه‌های بالقوه بیورش برای تصرف اراضی مرتعی
چراندن مزارع و غارت محصولات یکجانشینان بوده‌است در سال‌های خشک و نیز
تصرف و غارت شهرونه یا قراهم می‌نمود. (کاستلو.1368-1372)

تأثیرگذاری نظام امپراتوری بر سیاست نظامی و حکومت‌داری در ایران
بخش عمده‌ای از تاریخ ایران با تسلط و تأثیرگذاری جوامع امپراتوری و قومی
بر نظام سیاسی تاوام است. این وضعیت باعث ایجاد آثاری در شکل‌گیری امپراطوری
نظام سیاسی ایران پرای دوره‌های بنا شده. در این بخش به بهترین جگوئنگی
تأثیرگذاری جامعه امپراتوری بر سیاست نظام پادشاهی ایران می‌پردازیم.
پدر شاهی ایلی‌تای و پادشاهی ایرانی

آن‌گونه که در بخش‌های گذشته گفته شد، زمینه‌های قدرت انحصاری جامعه ایلی‌تای ایران در طبیعت و اقیانوس این سرمایی و سپس در ساختار اجتماعی‌گوی نظام جوامع کوچک‌ده نهفته است. وضعیتی که باعث پیدایش این جامعه متحرک می‌شود، الزامات خود را بر مردمان این جامعه تحمیل می‌کرد. این در حالی بود که فرآیند ساختار نزدیک، افرادی قوی، بر طاقن و دارای سازمان شبنم‌الافشام سلسله‌مانی‌یکدیگر که به واسطه مواجهه مستمر با دشواری‌های طبیعت و قبایل مهاجم زمینه‌های واقعی و بار را آن‌ها تسهیل شده بود. به گهت مبارزه دائم با این عناصر (طبیعت وحشی و مهاجمان و معارضان) به شدت جنگجو و سخت‌گر رو دلم‌ها به رکاب، تریب شده بودند در واقع قدرت سیاسی ایل در قدرت نظامی آن بود. (شعبانی، 1369، 5) بعلاوه در غیاب نیروی نظامی سازمان‌یافته رسمی و ارتش دائم، تنها نیروی سیکار، دارای جالاکی و قدرت ملوان بالا بودند که می‌توانستند با سرعتی که نیروی جامعه یکجانشین قادر به انجام آن‌بوی وظایف حاکمیتی را انجام دهد و اعمال نظیر جمع‌آوری مالیات، سرکوب شورش‌ها و اغتشاش‌های محلی و... را در سرمایی که آبادی‌ها در آن از هم بسیار دور و چون واحدهای در دشت‌ها و دره‌ها و یا در کوه و کلیومرها با آبادی دیگر فصله داشتند، یا به جهت کوهستانی بودن امکان دسترسی به آن را هر نیرویی در اختیار نداشت، تحت پوشش قرار دهد و یک‌چرگی سرمایی‌ها را در کلیت ایران ممکن ساختند. (پولاک، 1368، 10) این زمینه‌ها شرایطی را برای ایلات و قبایل ممکن کرد که قادر شدند در بیش از هشتاد درصد از کل دو دو سلطنت در ایران (۱۷۲۹ م. تا ۱۳۷۹ م.) حاکمیت سیاسی کشور را در اختیار داشته باشند (شعبانی، 38) برخی از پژوهشگران تاریخ
حتی معتقداند اکثر حکومت‌های ایران دارای بیانیه‌ای بی‌فیزیکی بودند و گزاره
نیست اگر به‌گوییم در جریان این آمد و شد، منازعات ایلی در ایران جای منازعات
طبی‌پزشکان در تاریخ اروپا را گرفت. (تقیب زاده، 1979، 127) فرآیندی که شاید بتوان
مفهوم نوعی گردش دورانی قدرت را در قالب الگویی که این خلدون آن را پرداخت
قوت وضع عصبیت تبیین می‌کند، در مورد آن یک نکته ملدکاری هدف است
که عصبیت به دست آن روان است، و ملك جز به غلبه و چیزه حاصل نمی‌شود و
پیوستهپیروزی از آن قوی‌ترین عصبیت است. تا آن که عصبیت تازه در برایش
قدعم کندوقویت از او گردید و بر آن چیزه شود.» (ابن خلدون، 1386-1385)
سرازیرشدن سیل قبایل و ایلات و تسلط ایشان بر این سرزمین باعث شد که
عنصر اطاعت مطلق از رئیس قبیله در بابت حکومتی ایران به متن به‌کل اصل
اساسی وارد و ناهضنی شود، این جزئی از این قبایل و در مخالفت با آن حرام
وز تاپه تلیفی می‌شد. (زیبا کلام، 1372، 1371-1372) این سنت‌های فرهنگی و
اجتماعی معمولاً موردی هستند که دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی آن را در
قابل الگویی پاترونیالیسم طبیب‌نی‌دی می‌کنند و آن مفهومی است که «ماکس
وبر» برای اشاره به شکلی از اقتدار بکاربرد که در آن نظامی سنتی با به‌هم‌بندی
مناسبی و مسلسل مراهی قدرت، فرامین فرامرزی را به اجرا می‌گذارد. از این نظر
پدرسالاری (پاترونیالیسم) تنها به معنای سلطه‌ای پدر نیست. بلکه سلطه
خوشبینانه برگزار از اعضا خانواده، سلطه ارباب و ولی نعمت بر رعایا، سلطه
فرامرزی بر خدمت‌ذخایر و مقامات رسمی، سلطه شاه، شهریار و فرامروزی مورونی
بر مقامات دربار و رعایا و همگی تحت مقوله پدرسالاری قرار می‌گیرند. در این گونه
از اقتدار نظام ارزش و هنوزها نقض ناشدنی و مقننه و در کنار این نظام،
فلمن استبداد مطلق فرامرزی که فضاهایی به اساس عملکرد و خدمت که
بر پايه تمایلات شخصی اوست، قرار دارد. (و بر، 1382، 233-236) از دیگر خصوصیات این نظام اینست که کارگران دستگاه دولتی خدمه شخصی رهبری محصول می‌شوند، اقدام موجود کاملی شخصی است، و حاکم داور نیست بلکه ارباب جامعه است. قدرت به موجب صفات شخصی به تعلق گرفته و همه‌چیز در رابطه با شخص شاه (فورانرو) اعتبار می‌یابد. دیوانسالاران و صاحب‌منصبان نوکران اوبد و ارتش نیز تنها ارشد اوست و میل و اراده او در حکم قانون است. در این میان رعایا (توده‌های مردم) به معنای واقعی کلام حقوقی ندارند، و در صورت نیاز تولید و استمداد از مراحم ملوکانه تنها چاره‌ای آنان است. (فرنودنی)

بیشینه حکومت و قدرت در ایران همکاره مناسبی با این الگوی سیاسی دارد. وضعیتی که در آن حکومت به عنوان ملک حاکم تلقی می‌شود و آن را به وسیله قانون زور، کنترل می‌کند و امکان اندازی به عنوان نوکران شخصی وی خدمت می‌کند. و حکومت سلطنتی ملک شخصی او بود. در این نظام استبدادی، هدف تمام تشکیلات و ساز و کارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صیانت مقام سلطنت و استقرار و تعیق نفوذ و سلطه شاه بود. لرد کرزن در پایان قرن نوزدهم درباره وضعیت حکومت در ایران می‌نوست: «... شاه ایران، حرفوش قانون و امرش مطاع، اختیارش نامحدود است و بر مال و جان و رعیت‌های خود حکومت مطلق می‌کند. شاه ایران یکنین همه قوه مقتدر هم هم مقرب هم هم قوه قضائیه را تشکیل می‌دهد، هر چیزی را می‌تواند مصداقه کند، هر کس را می‌تواند ببخشد و تمام احوال عمومی قیسه قدرت او می‌پاشد.» (کرزن، می‌توانند بخشید و تمام احوال عمومی قیسه قدرت او می‌پاشد. (کرزن، 1347، 23-22) این شیوه‌ای دارد که تا پایان دوره سلطنت ادامه داشته و منابع تاریخی گزارش‌های بسیاری دارند که تأیید می‌کند، نگاه حاکمان ایلیاتی و عضاوری
ایران به ملت به م사항 قیبله و به حکومت و منابع آن به عنوان ملک اعضاً قبیله‌غالب و یا مفاهیمی از این دست بود. جنایه که "سلافتین سلیموقی به منزله سران قبیله حود با حساب می‌آمدند، و امپراتوری را ملک مطلق کل اعضا خانواده به حساب می‌آورد..." (کلیوزنر (1381-1619)، این نوع نگرش در دوره مغولان تشاید. آنان سرمایه‌های تحت تصرف را به عنوان بخشی از دارایی قبیله و "یورت" (5) خاندان سلطنتی جز دانستند که در آنها احشام و اعضا آن و اتباع ایشان می‌چریدند... (علمرادی (1380، 167))

ابن گونه برخورد با ملک و ملت در تمام دوره‌های بعد ادامه داشت، زیرا تفاوت قاطعی در مبانی فرهنگی و اجتماعی حاکمان پدید نمی‌آمد. تنها تغییر عبارت بود از این که قدرت و حکومت اعشاربان به عشیره‌های دیگری رسید، در حالی که مخرج مشترک رفتار در این میان پایدار می‌ماند. این بدان جهت بوده که ابتدای با وجود تفاوت در منشا، نزد، اعداد جمعیت، زبان و... در بخش‌های عمده‌ای از اصول فرهنگی، اجتماعی و سیاسی واحده تبعیت می‌کردند. (سريع القلم، 1377، 26) در این فرهنگ سیاسی آن‌نان که خواج نظم این کلاک و وزیر مقتدر سلوقیان گفت "روت رهم پادشاه و پادشاه شبان رعیت است..." (طوسي (1364، 421)

ابن وضعیت به وسط استمرار الكوهلی رفتن سیاسی از دیگر دوازده مختلف تداوم داشت، و سپس عنصر قدس‌نگی هم به این عوامل قدرت و افزوده شد و صفویان که نیوی بادشاهی خود را بر پایه سازمان ابیاتی و این‌دلولیه دینی استوار کردند بود، جایگاه خود را از مقام فرمانروایی به شانی از الوهیت نزدیک نموند. (مینورسکی (1368، 18) دولت طاهر نیز که آغامحمدخان مؤسس آن خود را پیشتر رئیس یک ایل می‌دانست تا پادشاه یک مملکت، (زبینکالام، سنت و مدیریته، (140) با تمام سازمان و اقتدارهای خود، به صورت کامل، یک نظام
بدرشاهاي بود. شالوده اين سلسله بر نظام ايلامتي ايران و فرهنگ سياسي
پاتریمونیالیسم استوار بود، تمام ساختار قدرت در وجود شاه خلاصه ميشد و افراد
و عناصر تشکيل دهنده دولت همگي «نوکران شاه» خوانده ميشدند. ( وهرام،
1366 111).
در همين دوره، بيش از يك كشور به صورت ملك مطلق ميان خاندان ايل
قاجار تقسيم شد و استبداد با فرآوان شدن دارالسلطنه (دربارهاي ايلتي) گسترش
و عمق یافت، و همه مملکت به تبیل فرزندان و كسان و نواگان قاجاري
فتحعلی شاه تبديل شد. (کرزن، 1365) سپس در واپسین دوره قاجاري، انقلابيون
مشروطه هم که به دنبال رهايي و خلاصي از شر بي قانوني سازمان يافته و رسمی
بودند و فكر مي كردن به صرف غلبه بر استبداد، به همه آرمان هاي گوناگون ملت
ميشدند. ( هماليون کاتوزيان، 1360-1371) كامیاب نشدن زيرا پاسخ پادشاهان
مشروطه به خواستهای آنان نيز، همان پاسخ شاهان پيشين به گله هاي رعیت
بود و محمدعلی شاه كه ناگيز تين به پيدبرش مشروطيت داده. متغيرانه و با
اعتراف به مجلس ها گفت: «چطور من مسئوليت ندارم، من مي باستني رعایاي
خود را مثل شباني كه گوسفندان را هدايت و نگهداري مي كند، سربستي
نمایيم» (زياکلام، سنت و مدرن، 945).
رضاخان پهلوي و فرزندش نيز به مانند تمام پادشاهان پيش از خود ايران را به
صورت ملك خلاصهگي و طليعهای خودمی تغيير موندي و متفاوت خودروعاقب كشور
تلقي مي كردن. (کام، 1371-1380) و در حالی كه اصل 26 قانون اساسي مشروطه
تصريح داشت كه «قواي مملکت ناشي از ملت است». (رحمي، 1347، 127).
به هر حال دوره طولانی حاکمیت اقوام چادرنشنی ببرزام، یک گروه سنتی شری و روسایی در ایران خلق و خوی این نوع از جوامع سنتی را به عنوان راه حل زیادی و جایگزین جامعه ایلات باشند. حاکمان را به سمت پرده کرده که تمام منابع نروت و اقتصاد جامعه را برای امنیت آنها در اختیار گیرند. این همای جدی است زمینه‌ساز تشکیل و گسترش حکومت‌های نظامی گرا و متغیر از ایران گردید. حکومت‌هایی که به قیمت تصرف و تندیل اراضی و تبدیل جوامع آزاد و خودکفا به رعاي و مردمان هاشمان و قوم فائق امنیت آنان را تأمین می‌کردهند. مکا‌آور دانشمند سیاسی می‌نویسد: چگونه و آموزش تفکری فوری را به وجود می‌آورد که خواهان انضباط انسانیپوری و اطاعت از رهبر است. رهبری جنگ اقدام تکانید می‌کند و یک سیستم پیش‌برنیت قاطع در سلسله مناسب بودن می‌آورد. حتی تورشهای محلی که در بسیاری موارد جنگهای قبیله‌ای را تشکیل می‌دهند، روانی را به سلسله مراتب تحلیل می‌کند که به شدت مکانی به امر و اطاعت است... (مکا آور، 1349، 43-45)

بدین ترتیب منازعه و اغتشاش ناشی از انتشار و ریشه‌دارشدن الگوی جوای اجتماعی ایلاتی فضایی تش ویانتی را در کشور دانه‌دار نمود که در تاریخ ایران به صورت یک نهاد اجتماعی درآمد. بطری‌گیران از این امرای‌یکی ازعلق نمودانگی وی ایران می‌دانست که باعث متأخر خوردن سیر تکامل جامعه و سپس تحکیم و
نتیجه گیری

شرایط طبیعی فلات ایران و قابلیت‌های ساختاری ایلات برای جوامع ایلیاتی این امکان را فراهم آورد که در دوره طولانی بر این کشور حکومت نمایند. این وضعیت باعث شد که برخی از سنت‌های ایلات و قبایل که برخی از افتضاحات حیات آن جوامع بودند، به مرور در قالب اگزه حکومت‌داری و سیاست ایران نهاده شوند. شکل تاریخی استیفاده سیاسی را می‌توان یکی از پیامدهای نظام پاتریمونیالیسم برای گیلکی نامید. در این مقاله به اجمال به بررسی مقدمات و زمینه‌های آن در سرمایه ایران و ساختار نظام ایلیاتی پرداختیم. وضعیت که با گسترده‌شدن دامنه ورود و یکتازی ایلات و اقوام در ایران، به فراخور تنش و اغتشاش در کارکردهای این نظام، به شیوع آشوب و ناامنی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران دانسته شد، عاملی که هم توجیهگر وزمن‌ساز استیفاده و تمرکزگرایی در قدرت و هم باعث عدم انبساط و گریزان شدن سرمایه‌های ایران شد. (Montalvo and Reynal querol, 2005: 295-296)
منابع

1- آیرونز، ویلیام. ترجمه پیروز الف (1367) : کوهشینی به عنوان راهی برای سازگاری
سیاسی، نمونه ترکمن‌های بومی، مجموعه آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

2- ابن خلدون، عبدالرحمن، ترجمه مهدی‌پوری (گنابادی، 1369) : مقدمه ابن خلدون، جلد
اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

3- اشرف، احمد. هویت ایرانی (1374) : ایران‌نگار خارج از کشور، ج.3 وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، تهران.

4- افشار سیستاتی، ایرج. (1366) : مقدمه‌ای بررسیات ایل، جادوگری و طولیف شایری
در ایران، نشر همگ، تهران.

5- افشاری‌دربادی، نادر. اسکان شایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، مجموعه کتاب آگاه،
انتشارات آگاه، تهران.

6- امان الله بهاروندی، دکتر سکندر. (1370) : کوهشینی در ایران، پژوهش درباره ایلات و
عشاکر، نشر آگاه، تهران.

7- امان، دیبز. ترجمه سید محسن محسنیان، (1369) : خیاتیاری‌ها شایر کوهشین ایرانی در
پویه تاریخ، انتشارات استان قدس رضوی، تهران.

8- بازن، مارسل، ترجمه فرخزدی قزز، (1277) : هویت قومی در ایران و آسیای مرکزی
فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره 13، شماره 3. زمستان 1377.

9- بازن، اج. ا. و بکر، اج. ترجمه جواد بوسفان و علی اصغر مجیدی، (1358) : تاریخ اندیشه
اجتماعی، ج.1. شرکت سهامی کتاب‌های جنبی، تهران.

10- بحران، باقر (1362) طرح مشاهده ایلات و شایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، مجموعه کتاب
آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

11- پتروفسکی، آیلیا پاولویچ، ترجمه کریم گشاورز، (1357) : گشاورزی و مناسبت‌های ارضی در
ایران عهد موقت، ج.1، نشر نیل، تهران.